

عید فطر، روز آزادی و جایزه

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

سیر و سلوک بندگان خدای رحیم در ماه ضیافت الهی که شب ها، روزها و تک تک ساعاتش بهترین اوقات بی مانند در طول سال محسوب می شود؛ میهمانان پروردگار را به «عید سعید فطر» که موسم پذیرش اعمال صالح و فصل اهدای جوایز به آنان است، می رساند.

ارزشمند ترین نعمت بی بدیل الهی که به یمن ماه مبارک رمضان و عید سعید آن به بندگان اعطاء می شود آزادی از تمام قیود و رهیدن از تمامی غفلت هاست.

استاد علامه حضرت آیت الله جوادی آملی (دامت برکاته) در مطلب پیش رو به تحلیل نعمت ارزشمند آزادی در عید سعید فطر می پردازند که به برکت قرار گرفتن در آستانه این روز مبارک تقدیم خوانندگان گرامی می شود.

«آزادی»، جایزه خدای سبحان به بندگان در عید سعید فطر

... نماز عید فطر در حقیقت دریافت جایزه 1 ماهه است. فضیلت عید فطر، شب عید فطر، روز عید فطر کمتر از فضیلت قدر نیست. اینکه می گویند: من در روز عید به این فکر که حاصل رنج 30 روزه را بدهم و ساغر بگیرم، همین است.

روز عید است و من مانده در این تدبیرم	که دهم حاصل سی روزه و ساغر گیرم
--------------------------------------	---------------------------------

آن ساغری که خدای سبحان به بندگان صالحش می دهد، آن آزادی است. توضیح مطلب این است که وجود مبارک رسول گرامی (صلی الله علیه وآله) در آخرین جمعه ماه شعبان یا روز دیگری از روزهای پایانی ماه شعبان

عظمت و جلال و شکوه ماه مبارک رمضان را ذکر کرده. فرمود: ماه مبارک رمضان فوائد فراوانی دارد که از برجسته ترین آنها آزادی شماسست. انسان وقتی یک گناهی انجام می دهد؛ چه حق خدا، چه حق مردم را ضایع کرده باشد، بدهکار است. اگر کسی ظلمی کرد به حکم خدا، یا به خلق خدا؛ بدهکار است. این اصل اول. اصل دوم آن است که: بدهکار باید دینش را اداء کند؛ و چون مدیون است و بدهکار است و دین را اداء نکرده، باید گرو بدهد. اصل سوم آن است که در مسائل مالی اگر کسی بدهکار بود، خانه را گرو می دهد، زمین را گرو می دهد و مانند آن. ولی اگر کسی گناه کرد، خود او را گرو می گیرند!! اینکه می بینید بعضی ها می گویند: من هر چه می خواهم جلوی زبانم را بگیرم، نمی توانم؛ یا هر چه می خواهم در منزل عصبانی نشوم، نمی شود؛ یا هر چه می خواهم جلوی چشمم را نگاه دارم، نامحرم را نگاه نکنم نمی شود؛ این بیچاره درست می گوید، چون او را گرفتند! وقتی او را گرفتند، می گویند هر چه ما گفتیم تو باید انجام بدهی. اصل سوم این است که: انسان بدهکار را گرو می گیرند، نه مالش را! اینکه می بینید بعضی ها در منزل عصبانی اند، می گویند هر چه ما می خواهیم جلوی زبانمان را بگیریم، نمی توانیم؛ راست می گویند، اما این را گرو گرفتند! وقتی گرو گرفتند، می گویند: هر چه ما گفتیم تو باید بگوئی! این اصل سوم باعث بردگی ماست. این تحلیل را وجود مبارک حضرت در پایان ماه شعبان به همه ما هشدار داد. فرمود: مردم! شما نه معصومید و نه عادل؛ چون گناه دارید، یا حق الله دارید، یا حق الناس دارید، بدهکارید. وقتی بدهکار شدید، خود شما را شیطان گرو می گیرد! «إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِذُنُوبِكُمْ» (1)؛ چون ذنب و گناه دارید، خود شما را گرو گرفتند؛ آزاد نیستید. بیایید ماه مبارک رمضان خودتان را آزاد کنید. این راه هدایت رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در پایان ماه شعبان.

سوخت و سوز انسان گنهکار در آتش اعمال خویش

وقتی وارد این ماه شدیم، پشت سر هم می بینید در دعای شب، در دعای روز، در دعای سحر می خواهد: أَنْ تَفُكَ، أَنْ تَفُكَ؛ خدایا! من را آزاد کن. «أَنْ تَفُكَ رَقَبَتِي» (2)، من در آتش دارم می سوزم. خیلی از ماها خیال می کنیم این جهنم جنگل دارد، جنگل جهنم هیزمی دارد که هیزم را از جنگل می آورند آنجا! حالا اسرار جهنم چیست که إِنْ شَاءَ اللَّهُ ما نبینیم و ندانیم، ولی آنچه را که صریح قرآن است و روشن است و ما می دانیم، فرمود: ما از جای دیگر جهنم هیزم نمی آوریم: «وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا» (3)، خود انسان ظالم، گُر می گیرد؛ ما از جنگل هیزم نمی آوریم! این را می فهمیم. اما اسرار دیگر، هزارها چیزی است که درباره بهشت و جهنم است که عقل ما به آن نمی رسد، ما می گوئیم: آمَنَّا وَ صَدَقْنَا! چه می دانیم چه خبر است آنجا! در پایان سوره مبارکه فجر دارد که جهنم را می آورند! این جهنم کی است؟ «وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ» (4)، جهنم را دارند می آورند؛ این جهنم کی است؟ خود آدم می شود جهنم! آن جهنم دیگر هم سر جایش محفوظ است. آن را ما نمی فهمیم، ولی این را می فهمیم!

نوآوری های دین در تفهیم معارف غیر دسترس بشری

این را دین به ما گفته؛ آن که ما را آفرید، فرمود: ما یک حرف تازه داریم. فرمود: پیامبر آمده برای 4 کار؛ «يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا، يَكُ يَعْلَمُكُمُ الْكِتَابَ، دُو؛ وَ الْحِكْمَةَ، سِه؛ وَ يَعْلَمُكُمُ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (5). کار چهارم پیامبر این است که ما یک حرف تازه داریم، یعنی یک حرفی داریم که هیچ جا نیست! نه تنها نمی دانید، نمی توانید یاد بگیرید. اگر دین نبود، کی می توانست بفهمد که خودِ ظالم گُر می گیرد و می شود هیزم جهنم؟! هر وقت به ما گفتند جهنم، خیال می کنیم یک جایی هست و یک هیز می هست و دود می کنند و...؛ الآن این کارخانه های ذوب آهن و امثال آهن که وقتی بخواهند یک چیزی را دود کنند یا چیزی را آب کنند، چه کار می کنند؟ 3 تا عنصر دارد، درباره جهنم هم 3 تا عنصر دارد؛ هر 3 عنصر خود انسان است. الآن در کارخانه ذوب آهن و فلزات دیگر چه کار می کنند؟ اول مواد سوخت و سوز را، یا بنزین یا گازوئیل یا زغال سنگ است جمع می کنند؛ بعد وقتی این زغال سنگ ها یا بنزین ها را جمع کردند، یک ماده انفجاری تی ان تی به آن می زنند، دو. وقتی گُر گرفت، آن مواد را می گذارند، آب می کنند؛ سه. کار کارخانه ها و جهنم های دنیا این است!

در قرآن فرمود: هر 3 در جهنم خود انسان است. هیزم می خواهد: «وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا»؛ خود قاسط، یعنی ظالم می شود هیزم. هیزم ها را که جمع کردند، یک ماده تی ان تی انفجاری باید باشد که اینها را آتش بدهد! آن را می گویند «وَقُود»؛ وَقُود یعنی مَا تُوقَدُ بِهِ النَّارُ. حالا یا آتش زنه است، یا آتش گیره. فرمود: آن رهبران کفر مثل استکبار و صهیونیست، اینها وَقُودُ النَّارِند؛ «هُمْ وَقُودُ النَّارِ * كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ» (6)، «فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارُ» (7)؛ این بت ها و سنگ هائی که پرستیدید، این بت پرست ها وَقُودُ النَّارِ هستند. همانطوری که در دنیا این رهبران کفر آتش گیره اند. توده مردم محروم هیزم اند، اینها وقتی کنار هم جمع شدند، شعله خاورمیانه پیدا می شود؛ یا به صورت لیبی در می آید یا به صورت های دیگر در می آید. فرمود: وقتی این دو تا جمع شدند، «فَإِذَا هُمْ بِسَجَرُونَ» (8)؛ اینها گداخته می شوند. خیلی از چیزها هست که نمی فهمیم؛ ولی اینها را که می فهمیم! خود آدم می شود هیزم، خود آدم می شود آتش گیره، خود آدم سوخت و سوز دارد!

باطن مسموم گناهان نزد متخلّقان به اخلاق الهی

پس قبل از آمدن ماه مبارک رمضان به ما گفتند: شما بسته اید، خودتان را آزاد کنید. جلوی زبانتان را بگیرید، جلوی چشمتان را بگیرید. خیلی ها می دانند ربا خوردن پایانش دیوانگی است، اما می گویند: هر چه ما می خواهیم نگیریم نمی توانیم؛ حالا یا قرض الحسنه نده یا اگر می دهی، قرض الحسنه را حفظ کن. این ربا پایانش جنون است. خیلی از چیزهاست که بشر نمی فهمد، خیال می کند این هوش اقتصادی است! فرمود: «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (9)، این مُخَبَّطانه بر می خیزد. یک وقت است از فقیه سؤال می کنی رشوه چیست، می گوید: حرام است؛ از متخلّق به اخلاق الهی سؤال می کنی رشوه

چیست، می گوید: رشوه سمّ است! امیرالمؤمنین (علیه السلام) در خطبه اوّل آن طوری که مرحوم مفید خطبه اوّل وجود مبارک حضرت امیر را در نماز عید فطر نقل کرد، مفصّل است؛ خطبه دوّمی که ایشان نقل کردند، مختصر است؛ هر دو خطبه را نقل کردند. در بخشی از نهج البلاغه فرمود: این رشوه سمّ است. یک وقت است فقیه می گوید: رشوه حرام است، یک وقتی آن کسی که متخلّق به اخلاق الهی است و درون اشیاء را می بیند مثل خود حضرت امیر، فرمود: سمّ است، سمّ نخورید!

ضرورت حفظ دستاوردهای ماه مبارک رمضان

پس روز عید فطر، روز آزادی است. یعنی در تمام این مدّت شب و روز ما تلاش و کوشش کردیم که چشمان، گوشمان و زبانمان را مواظب باشیم، غذايمان را مواظب باشیم؛ این آزادی را حفظ بکنیم. اگر إنّ شاء الله این آزادی را حفظ کردیم، عید ما می شود «عید فطر». اما اگر خدای ناکرده برگشتیم به همین حالت قبلی، همان جهنمی است که ما به همراه خودمان داریم. خیلی ها در سوخت و سوزند، ولی چون سرگرمند احساس نمی کنند! می بینید در اثر جوانی یا در اثر ثروت یا در اثر مقام انسان «فِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ» (10)، مستانه زندگی می کند. اگر در جشن هائی که انسان برای پسرش دارد، می بیند که صبح تا غروب به استقبال مهمان ها و پذیرائی می رود، غروب که مهمان ها رفتند، این می بیند پایش می سوزد؛ نگاه می کند، می بیند میخی که در کفشش بود، جوراب را پاره کرده، پا را پاره کرده، خون کفش را گرفته و او احساس نکرده است! این خون تازه نیامده، این خون از همان زمان قبل بود. منتها شما چون مستانه پذیرائی می کردی، مواظب آن درد نبودی! انسان همین که چشم بست و مرد، تمام دردها شروع می شود. این ماه مبارک رمضان، این عید فطر برای همین است. اگر (معاذ الله) مرگ پوسیدن بود و بعد از مرگ خبری نبود؛ یک زندگی حیوانی بود. اما مرگ از پوست به در آمدن است، مائیم و ابدیت ما! اگر آزاد می شویم و از پوست به در می آئیم، برای آنجا چه کرده ایم؟

«ماه رمضان» آغاز سال اهل سیر و سلوک؛ و «عید فطر» موسم جائزه گرفتن

بنابراین عید فطر، شب عید فطر، روز عید فطر؛ روزی است که جائزه ها را می دهند. ماه مبارک رمضان، ماه راه است، نه ماه جائزه! آن بزرگواری که گفت:

ماه شعبان مَدِه از دست قَدَح کین خورشید || از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد

برای همین است. ماه شعبان پایان سال است؛ آنهائی که سال مالی دارند، اگر کشاورزند، یک سال دارند؛ اگر غیر کشاورزند، سال مالی دارند! اوّل سالشان مشخص است؛ درآمدشان، هزینه شان مشخص است. اما آنهائی که در

سیر و سلوک کار می کنند، سال مالی شان، سال اخلاقی شان، سال اعتقادی شان اوّل ماه مبارک رمضان است. یعنی از اوّل ماه مبارک رمضان امسال تا آخر ماه شعبان سال بعد، سال اخلاقی شان است. مسأله اقتصاد و تجارت و درس و بحث که نیست، مسأله طهارت روح است. مسأله طهارت روح سال می خواهد؛ اوّل سال اوّل ماه رمضان است. اینها چون سالشان اوّل ماه رمضان است، وقتی پایان سال رسید، یعنی ماه شعبان رسید تمام تلاش و کوشش شان این است که استغفار کنند، جائزه بگیرند؛ می گویند: این ماه شعبان را دریاب! اگر ماه شعبان را در نیافتی، ماه رمضان رسید، خبری نیست! ماه مبارک رمضان فقط ماه راه است، شب عید رمضان جائزه را می دهند.

اگر ماه مبارک رمضان آمد؛ ماه مبارک رمضان فقط ماه امتحان است و کار است، جائزه ها را شب عید فطر و روز عید فطر می دهند.

بنابراین همه ما حساب بکنیم؛ در این 9 تا قنوتی که 5 تا در رکعت اوّل، 4 تا در رکعت دوّم بود، خدا را به عنوان «أَهْلُ الْكِبَرِيَاءِ وَ الْعَظَمَةِ وَ أَهْلُ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ» (11) خواندیم؛ یعنی تو که اهل جُودی، تو که اهل جبروتی، تمام نقص ها را جبران می کنی؛ نقص ما را جبران بکن، به ما ببخش. خدا جبار است، یعنی تمام نقص ها را او جبران می کند. جَبیره را چرا جَبیره می گویند، برای اینکه جلوی زخم را می بندد. در ادعیه ما هم هست که یا جَابِرَ الْعَظَمِ الْكَسِيرِ (12). اگر استخوان دست شکست طیب آن رامعالجه نمی کند، می بندد که تکان نخورد؛ آن که لَحیم کاری می کند، دیگری است! این استخوان تکه تکه شده تصادفی ها را کی جَبیره می کند؟ کی جوشکاری می کند؟ فرمود: خدائی که این استخوان های شکسته را جوشکاری می کنی، جبران می کنی، جَبیره می کنی؛ این دل شکسته ما را هم جَبیره کن، و گرنه شکسته بند که فقط می بندد، چه کار دارد به کجا جوش زده، با چه جوش زده، کی جوش زده، کی دو تا استخوان را یکی کرده، دیگری است!

لطف بی نظیر خدای سبحان به بندگان

در دعای وداع ماه رمضان وجود مبارک حضرت سجاد (علیه السلام) عرض کرد: خدایا! تو یک کاری دادی که احدی در عالم نمی کند؛ و آن این است که همه چیز را دادی، یک؛ مردم را هم به داد و ستد و خرید و فروش دعوت کردی، دو؛ خودت شدی مشتری، سه؛ آگهی مزایده هم می زنی، چهار؛ اما آگهی مزایده را فروشنده می زند، نه مشتری!! هر فروشنده ای، هر کسی که کالائی را می خواهد بفروشد، آگهی مزایده می زند؛ می گوید این زمین را، این خانه را، این اتومبیل را هر که بیشتر می خرد، من به او می فروشم. ولی مشتری آگهی مناقصه می زند؛ می گوید: شما کمتر دادی، من از شما می خرم؛ دیگری کمتر داد، من از او می خرم. همیشه آگهی مزایده از طرف فروشنده است، آگهی مناقصه از طرف خریدار است. اینها که برای پیمانکاری آگهی مناقصه می زنند به پیمانکارها می گویند: هر که کمتر می گیرد، ما کار را به او می دهیم!

این بیان نورانی اعجاز آمیز وجود مبارک امام سجاد در دعای وداع ماه مبارک رمضان این است که: خدایا! تو کاری کردی، هیچ کس نمی کند. تو مشتری هستی، از ما هم می خواهی بخری، ولی آگهی مزایده را تو زدی. به خدا عرض کرد که شما اعلام کردی آقایانی که می خواهید وقتتان را بفروشید، می خواهید جانتان را بفروشید،

مقامتان را بفروشید، حیثیتتان را بفروشید؛ من از همه بیشتر می خرم. به کی می خواهی بفروشی؟ این عمرت را، این جوانی را به کی می خواهی بفروشی؟ به حرف ماهواره بفروشی، موی سرت را عوض کنی، جوانی را به کوی و برزن بگذرانی، تلف کنی و بعد پایش بشود هیچ؛ این جوانی را به هر که می خواهی بفروشی، من بیشتر می خرم. به علماء می گوید: شما این 4 تا کلمه ای که سواد پیدا کردی، ما این را به شما یاد دادیم. این را می خواهی به القاب و به زید و عمرو بفروشی، من بیشتر می خرم! به تاجر یک جور می گوید، به صاحب مقام یک جور می گوید، به زن یک جور می گوید، به مرد یک جور می گوید، این مایه ای که داری، به هر که می خواهی بفروشی من بیشتر می خرم.

این بیان نورانی امام سجاد است در دعای وداع ماه مبارک رمضان: «وَأَنْتَ الَّذِي زِدْتَ فِي السُّومِ» (13)؛ «سوم» یعنی داد و ستد. اینکه می گویند مداخله کردن در سوم برادر مؤمن مکروه است، همین است. کسی که دارد معامله می کند؛ برخی ها تحریم کردند، ولی معروف بین فقهاء (ره) کراهت است که آدم وارد بشود در معامله مردم. عرض کرد: خدایا! تو وارد معامله شدی و در همه معامله ها هم آگهی مزایده می زنی، می گوئی: من بیشتر می خرم. به همه ما می گوید: شما آنچه را که داری، می خواهی به کی بفروشی؟ می خواهی به چه بفروشی؟ من 10 برابر می خرم: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» (14). یک چنین مشتری ای که بگوید: شما هر قیمتی که می خواهی بکنی، من 10 برابر می خرم. این کدام مشتری است؟ ماه مبارک رمضان یک چنین ماهی است که انسان را خرد مدار و عدل محور می کند، روز عید فطر یک چنین جایی است، شب عید فطر یک چنین جایی است! همه ما موظفیم از اینجا که فارغ شدیم، یک چند دقیقه ای با خدای خود خلوت بکنیم. این طهارت را، این پاکی را حفظ بکنیم؛ آنوقت نه بیراهه می رویم، نه راه کسی را می بندیم؛ همیشه راحتیم، چون آزادیم و چه نعمتی بهتر از آزادی است؟! بنابراین ما بدانیم که ماه مبارک رمضان ماه آزادی است؛ مالک چشمیم، مالک گوشیم، مالک مالیم، مالک زبانیم، زن و بچه ما در منزل از ما راحتند، همسایه از ما راحت است، دوستان از ما راحتند؛ نه بدی می گوییم، نه بدی می خواهیم. این خاصیت ماه مبارک رمضان است. (15)

پی نوشت ها :

(1) بحار الأنوار / 93 / 357 - با اندکی اختلاف

(2) مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه / 2 / 161

(3) جن / 15

(4) فجر / 23

(5) بقره / 151

(6) آل عمران / 10 و 11

(7) بقره / 24

(8) مؤمن / 72 - با اختلاف

(9) بقره / 275

(10) حجر / آیه 72

(11) مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه / 1 / 513 - بَابُ صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ

(12) دعای جوشن کبیر

(13) الصحیفه السّجادیه / دعای 45

(14) انعام / 160

(15) بیانات معظم له در خطبه های نماز عید سعید فطر؛ دماوند؛ روستای احمد آباد - 9 / 6 / 1390

کیهان فرهنگی